

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پپه اسکوبار

برگردان از: حمید بهشتی

۰۲ اگست ۲۰۱۲

به بازی بزرگ تازه خوش آمدید

غرب واقعا علاقه ای ندارد به این که از چیزی شبیه بهار عربی در امتداد جاده ابریشم حمایت نماید، بلکه بیش از آن مایل به ایجاد پایگاه های دائم نظامی است. دو رقیب نظامی بزرگ امریکا و ناتو که روسیه و چین باشند، در حال به وجود آوردن همکاریهای اقتصادی پایداری می باشند که قادر خواهند بود زمینه های مناسبی برای ایجاد اتحادهای بزرگتری فراهم آورند.

افریقای شمالی و آسیای مرکزی ظاهراً به همین بلا گرفتارانند: رژیم های دیکتاتور، فساد گسترده، فقر، بیکاری شدید جوانان، کنترل کامل رسانه ها و فضای بسیار محدود برای مخالفان سیاسی.

جای شگفتی نیست که پیشروی اولیه بهار عربی در افریقای شمالی که در نظر عموم مبارزه برای دموکراسی تلقی می شد، در میان اکثر حکومت های اطراف جاده ابریشم موجب وحشت بود، زیرا در نظر آنها بیش از دموکراسی هیولای اسلامگرایی را مجسم می ساخت. به همین جهت نیز آنها فیس بوک و تویتر را بسته و با به کار گرفتن فیلتر اینترنت ساخت چین و با فقدان شبکه تلویزیونی در آسیای مرکزی که مطابق مدل الجزیره باشد، از پخش پیام آن ممانعت به عمل آوردند.

بی جهت نیست که قدرتمندان آسیای مرکزی با خشم و وحشت به آنچه در مصر و سوریه می گذرد می نگرند. اسلام کریم اف در ازبکستان و نورسلطان نظربایف در قزاقستان هر کدام ۲۱ سال است که قدرت را در دست دارند. امامعلی رحمان در تاجیکستان نیز از زمان جنگ داخلی در سال های دهه ۱۹۹۰ رئیس جمهور آن کشور است. البته در ترکمنستان پس از فوت شخصیت بارز آنجا سپرمراد نجاسف در سال ۲۰۰۷ تحولی صورت گرفته است. اما اژدهای مزبور در زمان رهبری قربانقلی بردی محمدف همچنان به عملکرد خویش ادامه داده است. پیچیده ترین مورد، قرقیزستان است که محل وقوع دومین انقلاب لاله گون در سال ۲۰۰۵ و ضد انقلاب لاله گون در سال ۲۰۱۰ بود. در آنجا اکنون یک رژیم پارلمانتاریستی با حضور چندین حزب حاکم است. اما آن کشور

همچنان در فقر به سر می برد، با شکافی عمیق در میان شمال و جنوب آنجا و میدان مین گذاری شده فرقه ای در دره فرغانه.

در جاهای دیگر اصلاحات سطحی حاکم اند. تحت حاکمیت کریم اف مجلس از آنچه پیش از آن بود اندکی کمتر کاریکاتوروار می باشد و با اظهاراتی که تحت حاکمیت نظربایف مطرح می شوند، در آنجا نیز باید همینگونه باشد. اما تصور نکنید انتخابات آزاد و عادلانه، رسانه های مستقل و گفت و گوهای جدی میان احزاب در این ممالک وجود داشته باشد. ازبکستان مستعد این است که به سادگی تبدیل به سوریه ای دیگر در آسیای مرکزی گردد، با جنگ های داخلی که در آن سیستم کریم اف، ارتش، افراطیون، جنبش اسلامی پیرو طالبان در ازبکستان IMU و مخالفین سکولار سهیم باشند. و در باره مرز بی در و پیکر تاجیکستان و افغانستان می توان گفت که برای اسلام افراطی همچنان دارای جاذبه ای درخشان است.

آسیای مرکزی دارای اهمیتی بسزاست. زیرا در مرکز اروپاسیا (Eurasien) و لذا در مرکز بازی بزرگ تازه ای که اصلاً امریکا علیه روسیه و چین به راه انداخته است، قرار دارد که در آن بازیگران کوچکتری مانند ایران، ترکیه و پاکستان نیز حضور دارند.

آنجا که موضوع مربوط به معماری قدرت بازی بزرگ تازه می شود، دموکراسی حتماً به عنوان یک مدل ظاهری نیز به حساب نمی آید. واشنگتن ظاهراً در این اندیشه است که آسیای مرکزی میدان نفوذ روسیه و چین می باشد. اما نه در واقع. برای رهبران سازمان های جاسوسی امریکا، در آسیای مرکزی بیش از هر چیز، پایگاه های نظامی جالب می باشند.

مأمورین دولتی در پایتخت ازبکستان سازمان پیمان ایمنی مشترک Collectiv Security Treaty Organisation (CSTO) را در پایان ماه جون ترک گفتند. پیمان مزبور تا زمان این برون رفت، شورای ده ساله سیاسی- نظامی بود، متشکل از روسیه، روسیه سفید، ارمنستان و پنج کشور آسیای مرکزی.

به گفته تاشکند، این امر به خاطر «اختلاف نظرهایی» که در باره افغانستان وجود داشت، بوده است. اما بنا بر اظهار نظر یکی از کارشناسان آسیای مرکزی به نام وادیم کزیولین دلیل اصلی آن مبتنی است بر: معاملات پیچیده ای با واشنگتن برای حضور مجدد آن کشور در پایگاه های نظامی خان آباد که از زمانی که کریم اف در سال ۲۰۰۵ آمریکاییان را بیرون کرد، در خدمت روسها می باشد.

اگر این معامله سربگیرد از یک ها از تسهیلات بسیاری بهره مند خواهند گشت: تسلیحات نظامی، چندین تن تسلیحات غیر نظامی که در افغانستان اگر این معامله صورت نگیرد، در معرض پوسیدگی قرار دارند و بیش از همه کسب منزلت به عنوان متحد امریکا.

مهم ترین هدف واشنگتن در این میان غیر از این چه می تواند باشد: تکمیل احاطه نظامی ایران که سپس هدف خود تاشکند نیز مطرح می شود: اسقاط پروژه مورد علاقه رئیس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین یعنی اسقاط اتحادیه اروپاسیائی.

تاشکند به سهم خود مسکو را علیه واشنگتن، در اطراف فرودگاه نظامی آینی که در ۱۵ کیلومتری دوشنبه واقع است، قرار می دهد. تاجیکستان به لشکر ۲۰۱ روسیه با ۶۰۰۰ نفراتی که دارد، پایگاه می دهد و این بزرگترین پایگاه روسیه در خارج از مرزهای آن کشور است.

اما واشنگتن نیز در قرقیزستان، در پایگاه کوچک مانا در نزدیکی بیشکک، پایتخت آن کشور، که برای جنگ افغانستان حائز اهمیت است، حضور دارد. با این حال بیشکک از مسکو نیز در ازای سه پایگاهی که در آن کشور دارد خواهان رانت بیشتری است.

نکته اصلی اینجاست که زیدگان به غایت فاسد کشورهای آسیای مرکزی در انتظار برون رفت نیروهای نظامی غرب از افغانستان در سال ۲۰۱۴ در حال مقدمه چینی می باشند. با اینحال امریکا قصد دارد به هر صورتی که باشد با قریب ۲۰۰۰۰ «مشاور» در آنجا بماند. واشنگتن به تمامی این رژیم ها چیزی را عرضه می کند که آنها نمی توانند رد کنند: حمایت سیاسی!

یک امر مسلم است: پوتین برای هر کس که بخواهد مسکو را به بازی بگیرد، دنیا را به صورت جهنمی در خواهد آورد.

بازی بزرگ تازه هنگامی که در آغاز ماه جون رؤسای جمهور چین و روسیه و ۴ کشور آسیای مرکزی (منهای ترکمنستان خودرأی) در چارچوب سران سازمان همکاریهای شانگهای (Shanghai Cooperation Organisation) اس سی اُ (اسو) به دور هم جمع شده بودند، به درستی به کار افتاد.

مهم این است که رؤسای جمهور افغانستان، ایران، پاکستان و مغولستان و نیز وزیر خارجه هندوستان نیز آنجا بودند. بهتر از این صحنه برای این که سازمان اسو توسط مسکو و پکن دید دیگری را در مقابل غرب عرضه نماید، ممکن نبود.

یعنی خلاصه آنچه که از جانب بخشی از واقعیت جامعه جهانی روی آن فکر می شود این است و نه آن تصویری که از جانب واشنگتن، لندن و پاریس به نمایش گذارده می شود.

سازمان اسو کاملاً باسیستم دفاع موشکی امریکا و ناتو مخالف است. آنچه در باره کشورهای آسیای مرکزی می توان گفت این است که به سود آنهاست که از ناتو دوری جویند: اگر بحرانی منطقه ئی باشد، بهتر همان که به صورت منطقه ئی نیز راه حل برای آن یافت شود. سازمان اسو خواهان افغانستانی است که «مستقل، بیطرف و صلح آمیز» باشد (که بدین صورت به منزلت ناظر سازمان اسو در آمده است) و این چیزی نیست به جز بیان قراردادی برای این که روسیه و چین هر کاری را که قادر باشند انجام خواهند داد تا نفوذ امریکا را از کابل بزدایند. سازمان اسو «دخالت های بشردوستانه» را مانند اقدامات یکجانبه ای که در لیبیا صورت گرفت، محکوم می نماید و اولویت را به اساس کار سازمان ملل متحد و حقوق بین الملل سنتی می دهد. ناگفته نماند که اسو خواهان اصلاحاتی در شورای امنیت سازمان ملل نیز می باشد. در مورد سوریه تنها راه حل قابل قبول، گفت و گوی سیاسی است که از نظر مسکو... شامل بر ایران نیز می گردد.

برای سازمان اسو هر اقدام محتمل ضربتی علیه ایران قابل پذیرش نیست و این در حالی است که نه پکن و نه مسکو تصور بمت اتمی را برای ایران قابل قبول نمی دانند.

قرار است همکاری های اقتصادی میان کشورهای سازمان اسو گسترش یابد. گام های بعدی شامل بر بانک توسعه اسو می باشد و مسکو همچنان طرف معامله اصلی برای کشورهای آسیای مرکزی خواهد ماند.

و یک تحول بسیار جالب این که: ترکیه که عضو ناتو و بخشی از شبکه دفاع موشکی امریکا می باشد، به عنوان طرف گفت و گوی سازمان اسو مورد قبول قرار گرفت. در مقابل، نه پاکستان و نه هندوستان بدین سازمان راه نیافتند. اما این دو ضرورتاً مانند ایران در آینده به عضویت کامل در خواهند آمد.

البته در ناتو تصورات دیگری حاکم بوده و از ۴ کشور آسیای مرکزی (باز هم منهای ترکمنستان) برای شرکت در شورای سران ناتو در شیکاگو در ماه می آینده دعوت به عمل آمد. سازمان ناتو خواسته های بزرگتری از سازمان اِسو برای «همکاری» در نظر دارد – که در بیان ناتو به معنی پایگاه نظامی می باشد. این ادعا که ناتو و اِسو در راه برخورد با یکدیگر می باشند، به هیچ وجه اغراق آمیز نیست. از زمانی که توجه اصلی اِسو فقط به تمامیت گرایان اسلامی مانند طالبان در افغانستان بود، راه درازی سپری گشته است. به طوری که وزیر امور خارجه روسیه، سِرگی لاورو، روشن ساخته است، از اکنون به بعد اِسو مصمم به اخذ سیاست مشترکی در تمامی بحران های منطقه و نیز فراتر از آن می باشد. بزرگ ترین مایه درگیری که اِسو باید خود را از آن برهاند ازبکستان است. ویلی کریم اف اقدامات خویش را با حفظ احتیاط انجام می دهد، چنانکه گوئی آینده او در معرض خطر قرار دارد. شبکه توزیع شمالی ناتو (NDN) به سوی افغانستان از ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان می گذرد. آنچه این گروه سه گانه واقعاً خواهان آن می باشند اینست که در نقش کشورهای گذرگاه، منافی به آنها برسد. از آنجائی که هدف مخفیانه ناتو واقعاً تأمین امنیت در آسیای مرکزی نبوده، بلکه مقابله مؤثر با روسیه و چین می باشد، لذا صحنه برای مبارزات قهرمانانه و معاملات جدی آماده است. به هر حال این روشن است که در دور جدید بازی بزرگ تازه آنچه که غرب «دموکرات» به هیچ وجه خواهان آن نیست، عبارت از این است که نسیمی از بهار عربی به جاده ابریشم برسد.

واژگان کلیدی:

بازی بزرگ تازه، آسیای مرکزی، جهان عرب، ناتو، روسیه، چین، دموکراسی، نفت و گاز، ستراتیژی جغرافیائی، سیاست جغرافیائی، سازمان همکاری های شانگهای، اِسو، ایران، ترکیه، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان، مغولستان، ترکمنستان، هندوستان،

برگرفته از تلاکسکالا، ۲۷ جون ۲۰۱۲

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=7834>